



ضرورت‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای در جهان امروز

اشاره:

با توجه به اهمیت آموزش فنی و حرفه‌ای در جهان کنونی و ضرورت آگاهی همگان، بویژه اولیاء و مربیان نسبت به این موضوع، قصد داریم که از این شماره بخش‌هایی از مقاله "ضرورت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در جهان امروز" را که در تابستان سال ۷۲ در نشریه "آموزش بزرگسالان و توسعه" به چاپ رسیده است، از نظر گرامی‌تان بگذرانیم. امیدواریم که اطلاعات ارائه شده در زمینه‌های پیشرفت علوم و تکنولوژی در جهان امروز، انقلاب علمی و فنی و تأثیر آن در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تربیتی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد استفاده خوانندگان تحلیل نقش اجتماعی، ارجمند قرار گیرد.

اقبال قاسمی پویا

انسان به دستاوردهای جدید علمی، فنی و هنری تلقی از شگفتیها و عجایب نیز دگرگون شده است.

در سال ۱۹۱۳ یک مجله انگلیسی از خوانندگان خود خواست آنچه را که عجایب هفتگانه قرن بیستم به شمار می آید، برای مجله برشمارند. پاسخها بررسی و جمع بندی شد. تلگراف و بی سیم، تلفن، هواپیما، رادیوم، مایه کویبها، آنالیز طیفی و اشعه ایکس به ترتیب اهمیتشان هفت برنده این عجایب شدند. البته هر کسی می تواند این فهرست را اصلاح کند و عجایب هفتگانه خود را معرفی نماید. مثلاً می تواند استدلال کند که زیردریایی شگفت انگیزتر از هواپیماست، پس باید جزو عجایب روزگار رقم بخورد.

در این اواخر مجله ندلیای شوروی سابق پرسشنامه مشابهی را در میان خوانندگان خود

مقدمه

جهان امروز پیوسته شاهد دستاوردهای علمی و فنی در عرصه های گوناگون است. همه جهانیان در لحظه لحظه های عصر حاضر، شاهد اختراعات و اکتشافاتی هستند که در گوشه گوشه های این جهان پرتحول رخ می دهد. این دستاوردها گاه با چنان شگفتیهایی همراه می شود که عنوان دوره ای از تاریخ را به خود اختصاص می دهد.

اگر در عهد باستان اهرام مصر، باغهای سمیرامیس در بابل، معبد آرتیمس در افه زوس، مجسمه زنوس در المپیا، مقبره هالیکارناسوس، مجسمه غول پیکر رُوس و سرانجام فانوس یا چراغ دریایی اسکندریه به عنوان عجایب هفتگانه جهان شهرت داشتند، اینک با دستیابی



"عجایب" جای خود را به دستاوردهای علمی و تکنولوژیک دادند و در تلقی از مفهوم واژه "عجیب" دگرگونی رخ داد.

اگر امروز پرسشنامه‌ای شبیه به آنچه گفته شد در میان جهانیان پخش شود، به احتمال زیاد، دستاوردهای علمی و تکنولوژیک در صدر قرار می‌گیرد و از رُباطها، اشعه خورشیدی، مهندسی بیوشیمی و ... سخن به میان می‌آید، که همه نتیجه مشترک پیشرفت علم و تکنولوژی است. از این نمونه است بررسیهای "الوین تافلر" که در کتاب "جابجایی در قدرت" (تافلر، ۱۳۷۱) به آن اشاره داشته است. وی در بخشی از این کتاب خواندنی، به فراگرد تحولات و دستاوردهای انسانها در طول تاریخ، به گذشته‌های دور برگشته و از دستاوردهای شگفت‌انگیز برخی از دوره‌های تاریخی نمونه‌ها ذکر کرده است. برای مثال نوشته است که: "خواندن ساده در دنیای قدیم دستاوردی خارق‌العاده به شمار می‌آمد. آگوستین قدیس در قرن پنجم در نوشته‌های خود از مرشدش آمبروس قدیس، اسقف میلان، چنین یاد می‌کند که او آنقدر دانا بود که می‌توانست واقعاً بدون حرکت لب‌هایش بخواند. به خاطر این شاهکار حیرت آور، وی پرمغزترین فرد جهان محسوب می‌شد" (همان صفحه ۱۴۸).

باز همانجا آورده است که شمار اندکی حساب می‌دانستند و این افراد کاملاً خطرناک تلقی می‌شدند، به طوری که از آگوستین نقل شده است که مسیحیان باید از افرادی که جمع و تفریق می‌دانند پرهیزند، چراکه چنین افرادی "با شیطان برای تیره و تار کردن روح بشر و محبوس کردنش در زنجیرهای جهنم میثاق



پخش کرد. این بار "عجایب هفتگانه" عبارت بودند از: پژوهشهای اتمی و شکافتن آن، اکتشافات فضایی، پیوند قلب، تلویزیون، لیزر، نظریه نسبیت و نظریه کوانتوم. به سادگی می‌توان دریافت که اکثر این عجایب آنقدر که به حیطه علوم پایه مربوطند به قلمرو تکنولوژی یا ساختمان ارتباط پیدا نمی‌کنند.

از دیدگاه این پژوهش تفاوتی نمی‌کند که عجایب و شگفتیها چه باشند. آنچه مهم است این واقعیت است که دو یا سه هزار سال پیش "عجایب"، حاصل هنر و عمدتاً کارهای معماری یا مجسمه‌سازی بودند. در سال ۱۹۱۳ این

این یافته‌ها و دستاوردها، همهٔ جوامع را به چالش می‌طلبد و به نهاد آموزش و پرورش، بیش از هر دستگاه دیگر، هشدار می‌دهد که برای رویارویی با چنین تحولاتی باید خود را مجهز و آماده سازد. اگر به محتوای این تحولات نیک بنگریم بی‌تردید به این واقعیت پی خواهیم برد که مرکز این تحولات، از نظر آموزشی، بخش آموزشهای فنی و حرفه‌ای است و کشورهای پیشرفته صنعتی با آگاهی از این واقعیتهای تاریخی و درک ضرورتهای جهان امروز است که پیوسته بر آموزشهای فنی و حرفه‌ای تأکید می‌کنند. از این رو می‌توان مدعی شد که از این پس، یکی از شاخصهای پیشرفتهای آموزش و پرورش، شمار و کیفیت کاری شاگردان شرکت کننده در بخشهای فنی و حرفه‌ای خواهد بود.

انقلاب علمی و فنی و انقلاب در آموزش و پرورش

انقلاب علمی و فنی نه تنها در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و علمی و فنی دگرگونیهای چشمگیری را پدید آورده است، بلکه نظامهای آموزشی را نیز از بنیاد دگرگون کرده یا آنها را برای این دگرگونی فراخوانده است. امروز دیگر نظامهای کهنهٔ تعلیم و تربیت نمی‌تواند همگام با این حرکتهای پرشتاب علمی و فنی پیش رود. در این میان اهمیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای بیش از دیگر بخشهای آموزشی رخ می‌نماید. امروز دیگر به آموزش و پرورش به عنوان نهادی که وظیفهٔ آن انتقال موارث اجتماعی باشد نمی‌نگرند، بلکه علاوه بر توجه به ارزشهای فرهنگی، از این نظام انتظار می‌رود محصولاتی



بسته‌اند."

تافلر نتیجه می‌گیرد که بسیاری از مهارتهای ساده که امروز بدیهی محسوب می‌شود، محصول صدها و هزاران سال توسعه فرهنگی تراکم‌پذیر بوده است و همهٔ نظامهای اقتصادی بریک "بنیان دانایی" استوارند. بنابراین در جهان پر تحول امروز داناییها پیوسته و دم افزون متحول می‌شوند و انسانها باشتاب بی‌سابقه‌ای هر روز به دستاوردهای علمی و فنی نو دست می‌یابند. سی سال پیش دارندهٔ کمترین توانایی استفاده از کامپیوتر در مطبوعات پرتیراژ، درست مثل قدیس آمبروس، "جادوگر ریاضی" و "مغز غول‌آسا" توصیف می‌شد، ولی امروز هیچ‌کدام از آن تواناییها نقش جادویی ندارند. بشر امروز به دنبال ساختن دستگاههای هوشمند و خلق سیستم اعصاب خودآگاه الکترونیکی فوق‌العاده هوشمند است و این نوآوریها با چنان سرعتی پیش می‌رود که هر واحد از زمان، معادل پولی بسیار ارزشمندی یافته است.

- فنی انقلاب عمیق و کیفی در نیروهای تولید و از آن جمله در نیروی انسانی و روشهای تولید به وجود آورده است.

اکنون ماشینها ۹۹ درصد کارها را انجام می دهند، در صورتی که صدسال پیش این رقم فقط ۶ درصد بود و ۹۴ درصد کار با نیروی بدنی انجام می گرفت. (TURCHENKO, 1976). این بدان معنا نیست که با افزایش نقش ماشینها در تولید، دیگر نیازی به نیروی انسانی نیست، یا به نیروی انسانی کمتری نیاز است؛ برعکس، پیشرفتهای صنعتی و انقلاب علمی و فنی به نیروی انسانی ماهر کارآمد نیازمند می باشد. پرواضح است که این نیروی انسانی را جز از راه آموزش و کارآموزی به صورتهای گوناگون، نمی توان از راههای دیگر تأمین کرد. تکنولوژی، آموزش و توسعه مثلث پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی را تشکیل می دهند. علوم و تکنولوژی حاصل دست و مغز انسانهاست که به یاری آموزش حاصل می شود. همین دستاوردها به نوبه خود بر شیوه و ماهیت آموزش اثر می گذارد و از این واکنش متقابل، توسعه و پیشرفت حاصل می شود (HALLACK, 1990, P.40 / ابریشمی، ۱۳۷۱ / ساخار و پولوس، ۱۳۷۰)

اما نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که هر آموزشی نمی تواند افزایش در تولید و درآمد را به دنبال داشته باشد. آموزشی اقتصادی و حاصل بخش است که براساس شرایط علمی و فنی کنونی و با توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی، برنامه ریزی شده باشد.

یادآوری این نکته نیز لازم است که امروز مفهوم آموزش و توسعه صرفاً در افزایش تولید یا درآمد سرانه خلاصه نمی شود، بلکه هدف از

را تولید کند که شایستگیها، مهارتها و تواناییهای لازم برای همگام شدن با دستاوردهای نورا داشته باشد.

آموزش فنی و حرفه ای، زیر مجموعه نظام آموزش و پرورش است و نظام آموزش و پرورش نیز نهادی است در ارتباط با نهادهای دیگر که در مجموع، کل نظام اجتماعی - اقتصادی جامعه را تشکیل می دهند. برای متحول ساختن هر نوع آموزش فنی و حرفه ای، لازم است در درجه نخست کل نظام آموزشی و به تبع آن کل نظام اجتماعی - اقتصادی متحول گردد. اگرچه امروز دیگر دستاوردهای علمی و فنی صورت جهانی پیدا کرده است و علوم و فنون مرزی برای خود قائل نیست، ولی ویژگیهای هریک از جوامع در استفاده از این دستاوردها بسیار مؤثر است و تفاوت در برنامه ها و پیشرفتها نتیجه نوع نگرشها و شرایطی است که بر هر جامعه حاکم است. با این حال، ابعاد اهمیت آموزشها و از آن جمله آموزش فنی و حرفه ای از برخی عوامل متأثر می شود که میان همه جوامع مشترک است. پس، هر کشوری باید با توجه به زمینه های تاریخی و فرهنگی خود، و با در نظر گرفتن ضرورت های کنونی جهان و چشم اندازهای جهان فردا طرحی نو در اندازد. بی تردید این طرح نو بیش از آنچه مبتنی بر تخیلات باشد، باید ریشه در واقعیات داشته باشد.

آموزش علوم و تکنولوژی و توسعه

در جهان فراصنعتی امروز توسعه به معنی عام، بدون توجه به آموزش به ویژه آموزش فنی و حرفه ای مفهوم نخواهد داشت. انقلاب علمی



حد ارجح نمی‌نهند و این ممکن نخواهد شد مگر اینکه اقتصاد وابسته به صنایع خارجی و مبتنی بر دلالی و خدمات، رفته رفته جای خود را به اقتصاد مستقل و تولیدی بدهد. در این صورت است که با اهمیت پیدا کردن کار مولد، در مقابل دلالی و واسطه‌گری، ارزشهای واقعی صنعتگران و صاحبان حرفه‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند و بسیاری از مفاسد اجتماعی بخصوص یأسهای جوانان کم‌رنگتر شده، جای آن را فعالیت‌های مولد اجتماعی می‌گیرد. اکنون کوشش بر این است تا آموزش و پرورش را از صورت صرفاً نظری بیرون آورند و آن را به صورت آموزش توأم با کار مبدل سازند (UNESCO, 1980 CP.40). چنین کاری علاوه بر داشتن اهمیت اقتصادی، بی‌تردید در تعدیل فاصله‌های میان طبقات و قشرهای اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد.

یکی از نابرابریهای حاکم در کشورهای در حال توسعه فاصله میان شهر و روستاست. چنانکه آموزش فنی و حرفه‌ای در میان روستاییان نیز گسترش یابد، بدون تردید فاصله عمیق میان شهر و روستا از میان خواهد رفت.

آموزش و توسعه، تأمین همه نیازهای انسانهاست. این واقعیتی است که سازمانهای جهانی مربوط به آموزش و توسعه به آن اعتقاد پیدا کرده‌اند.

نقش اجتماعی - فرهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای

بعد دیگر اهمیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای در نقش اجتماعی - فرهنگی آن است. یکی از نموده‌های نابرابریهای اجتماعی، محرومیت از تحصیل به علل گوناگون است. برخورداران توده‌های وسیعی از مردم از آموزشهای فنی و حرفه‌ای، سبب می‌شود که فاصله قشرهای اجتماعی تا حدودی کمتر شود، توان کاری افراد بالا رود و در نتیجه گروه کثیری از مردم در تولید اجتماعی شرکت کنند.

اگر آموزش فنی و حرفه‌ای پرکیفیت گسترش یابد و کاریدی و مغزی هر دو در پیوند با هم اهمیت پیدا کند، ارزشهای نویی در جامعه پدیدار می‌گردد. یعنی کاریدی محقر شمرده نمی‌شود و به کار اداری یا صرفاً فکری بیش از

است که میل به دگر دوستی و دگرگرایی در آنان روز به روز فزونی خواهد یافت.

گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای و مشغول داشتن گروه کثیری از جوانان کشور در فعالیتهای کاری و آموزشی می‌تواند سرآغاز برگشتن به خود و یافتن هویت فرهنگی خویش گردد. وقتی شمار زیادی از مردم جامعه مشغول کار مفید و مناسب شدند، به جامعه و ارزشهای اجتماعی حاکم ارجح می‌نهند. از سوی دیگر چون آموزش و کار، ضمن خوشایند بودن، سخت و کاربر است، در نتیجه آحاد جامعه به محصول آموزش و کار اهمیت قائل می‌شوند و ارزشهای نوری در جامعه پدید می‌آید. یکی از دلایل اینکه در جامعه ما گرایش به فرهنگ مصرفی وجود دارد این است که بخش عظیم نیروی انسانی بالقوه ما، خود، درگیر در کار مفید و مناسب نیست.

مربیان تربیتی و روان‌شناسان معتقدند که اگر کودک یا نوجوان، شخصاً درگیر ساختن چیزی بشود یا در پروژه‌های شرکت فعال داشته باشد، بدون تردید احترام فراوانی به محصول کار خود قائل خواهد شد.

آموزش و پرورش و از آن جمله آموزشهای فنی و حرفه‌ای دو نقش متضاد دارد. یکی نقش بازدارنده یا تثبیتی است و دیگری نقش پیش برنده و مترقی. در جوامعی که حاکمان چندان گرایش به تحولات اجتماعی و فرهنگی نشان نمی‌دهند، از آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای تحکیم ارزشهای موجود بهره می‌جویند. در این جوامع توزیع آموزش و پرورش همانند دیگر عرصه‌های توزیع، نابرابر می‌شود. در تحقیق منتشر شده از سوی سازمان بین‌المللی یونسکو آمده است که:

زنان نیز که نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند، متأسفانه نقش چشمگیری در فعالیتهای اجتماعی و تولیدی ندارند و نسبت مؤسسات فنی و حرفه‌ای دخترانه به مؤسسات فنی و حرفه‌ای پسران بسیار اندک است.

پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی عصر پرتحول کنونی ایجاب می‌کند که شمار زیادی از زنان و مردان وارد فعالیتهای تولید اجتماعی شوند. این امر علاوه بر گسترش و افزایش تولید، سبب آگاهی اجتماعی و سیاسی افراد نیز می‌شود. یکی از مرییان تربیتی گفته است:

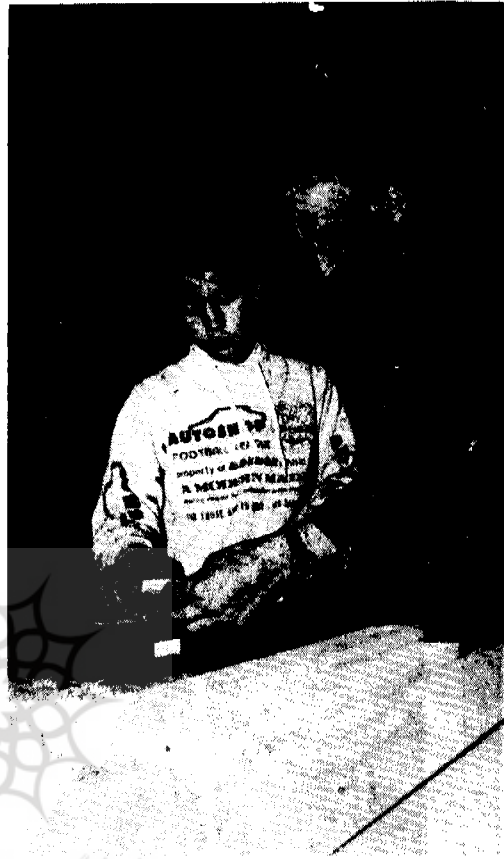
شما می‌توانید هر قدر که امکان دارد فردی را به کار کردن وادارید، ولی اگر همزمان با این فعالیت به تربیت سیاسی و اجتماعی او نپردازید و یا اگر او در فعالیت اجتماعی و سیاسی شرکت نکند، کار قهراً به جریان عقیمی بدل می‌گردد که هیچ نتیجه مثبتی در پی نخواهد داشت.

برخوررداری از آموزش فنی و حرفه‌ای مناسب، ارزشهای فرهنگ ملی را رشد و توسعه می‌دهد. متأسفانه اکنون به سبب حاکمیت مطلق تکنولوژی و دستاوردهای علمی و فرهنگی جوامع پیشرفته، به ویژه جوامع غربی، بسیاری از مردم کشورهای در حال رشد در مقایسه خود با این کشورها به نوعی از خودبیگانگی گرایش پیدا می‌کنند. امروزه نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و منابع گوناگون اطلاع‌رسانی در بحث از دستاوردهای علمی و فنی، به ناچار و به درستی، از دستاوردهایی سخن به میان می‌آورند که ۹۵ درصد آنها متعلق به دیگران است. وقتی افراد جامعه‌ای پیوسته ناظر و شاهد پیشرفتهای موفقیت‌های شگفت‌انگیز دیگران شدند، طبیعی

دختر هستند. این نسبت در سطح متوسطه و دانشگاه به ۲۹٪ تا ۲۰٪ کاهش می‌یابد. در پانزده سال اخیر نرخ اشتغال به تحصیل دختران فقط ۲٪ افزایش یافته است.

اکثر کسانی که تحصیلات را به پایان می‌رسانند، از خانواده‌های مرفه جامعه هستند. منحصراً کودکان خانواده‌های فقیر ترک تحصیل می‌کنند و چون عده ترک تحصیل کنندگان معادل ۶۰٪ عده‌ای است که ثبت‌نام کرده‌اند و ۴۰٪ تا ۵۰٪ مردم این کشورها پایین‌تر از آستانه فقر زندگی می‌کنند، بنابراین می‌توان گفت که نابرابری در زمینه آموزش و پرورش وخیم‌تر از نابرابری اقتصادی است (یونسکو، ۱۳۶۹، صفحه ۹۷-۹۶).

این وضع منحصر به کشورهای در حال توسعه نیست. در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نیز به تبع اصل نابرابری اجتماعی و اقتصادی، نابرابری در آموزش و پرورش همچنان باقی است. در اکثر کشورهای سرمایه‌داری بیش از ۳۰٪ کل دانش‌آموزانی که مرحله اول آموزش را تمام کرده، وارد مدرسه متوسطه می‌شوند، اغلب حق ورود به کالج را به دست نمی‌آورند. برای نمونه در فرانسه ۹۴٪ درصد فرزندان قشر ممتاز جامعه وارد (LYCEES) می‌شوند، در صورتی که این نسبت در مورد فرزندان کارگران صنعتی ۴۵٪ و کارگران کشاورزی ۳۲٪ است. درصد دانش‌آموزان کلاسهای بالاتر دبیرستان که ترک تحصیل می‌کنند، در بریتانیا ۴۰٪، در سوئد ۵۰٪ و در آلمان غربی ۸۰٪ است و اکثر ترک تحصیل کنندگان از خانواده‌های طبقه زحمتکش هستند. مدارس متوسطه نخبگان، افراد را در سطح بالایی تربیت می‌کنند. اما همچنان که



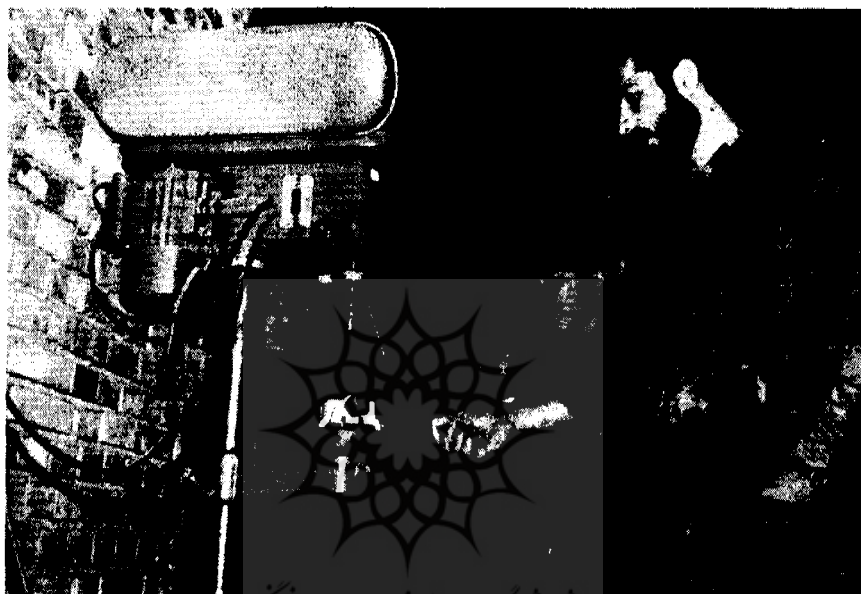
در آسیا و آفریقا دست کم ۳۰٪ کودکان سنین مدرسه به آموزش ابتدایی راه نمی‌یابند و از ۱۷۰ کودکی که به مدرسه راه می‌یابند حداقل یک نفر از هر پنج نفر پیش از پایه چهارم ترک تحصیل می‌کند. به اعتقاد یونسکو در همین سن و سال است که آلات و ادوات کسب معرفت یا مفاهیم نزد کودکان به صورت نهایی تکوین می‌یابد. در این کشورها، فقط یک نفر از سه نفر جوان ده تا هفده ساله در نظام آموزشی باقی می‌ماند. غالباً محرومیت دختران و زنان بیشتر است. به طوری که فقط ۴۰٪ دانش‌آموزان ابتدایی

سازنده و مترقی آن است. به مدد آموزش و پرورش است که شعور و آگاهی اجتماعی در تمام جوامع متحول می‌شود و این خود عامل تعدیل نابرابریهای اجتماعی است.

آموزش فنی و حرفه‌ای چنانچه به درستی برنامه‌ریزی شده باشد و هدفها، روشها، محتوا

متخصص تربیتی سوئدی، تورستن هاسن (TORSTEN HUSEN) می‌گوید، چنین مدارسی به قیمت پایین آوردن سطح آموزش توده‌های وسیعی از مردم تمام می‌شود (TURCHENKO) (1976, P.30).

در گزارش سی و دومین اجلاس کنفرانس



و معلم، ... آن مناسب با توسعه ملی پی‌ریزی شود، می‌تواند در پاسخ‌گویی به بسیاری از مسائلی که از آنها سخن به میان آمد، نقش مفید و مؤثری بازی کند. به دلیل همین بعد مترقی آموزش و پرورش است که کلیه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران علاقه‌مند به پیشرفتهای فرهنگ مادی و معنوی پیوسته بر لزوم آموزش و پرورش و از آن جمله آموزش فنی و حرفه‌ای در دنیای امروز تأکید داشته‌اند و توجه به آموزش فنی و حرفه‌ای جوار کارخانه‌ای نیز به عنوان راهی در میان راههای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است.

بین‌المللی تعلیم و تربیت که در سال ۱۹۷۰ در ژنو تشکیل شد، آمده است که برخوردار از آموزش متوسطه و بالاتر و امکان ورود به دانشگاه کاملاً محدود و در اختیار طبقات و گروههای اجتماعی خاص بوده است. در جهان سرمایه‌داری فرزندان قشرهای ثروتمند و گروههای حاکم ۸۰ برابر بیش از کارگران کشاورزی، ۴۰ برابر بیش از کارگران و دوبرابر بیش از فرزندان خانواده‌های کارمندی (بقه سفید)، امکان ورود به دانشگاه را دارند (همان).

نقش و کارکرد دیگر آموزش و پرورش، نقش

انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشارات

"نشریه پیوند"

پیوندمان را با "نشریه پیوند" بیشتر کنیم.

پیوند حاصل دیدگاههای تربیتی جمعی از استادان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مربیان مجرب کشور است.

پیوند با بهره گیری از تعالیم عالیة مکتب اسلام، حاوی مهمترین مباحث آموزشی، روشهای تربیتی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی است.

برای اینکه همراه پیوند تقدیم حضورتان شود، لطفاً فرم اشتراک زیر را تکمیل کنید و به دفتر نشریه پیوند ارسال فرمایید.

فرم اشتراک مجله آموزشی - تربیتی پیوند



انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

شغل:

میزان تحصیلات:

نام و نام خانوادگی:

لطفاً نشانی خود را به طور کامل و بدون غلط یا ذکر شماره پلاک و کدپستی مرقوم دارید.

استان: _____ شهر: _____
 کدپستی: _____
 به چه نام و نشانی: _____
 آیا قبلاً مشترک بوده اید؟ _____
 شماره اشتراک: _____
 خیابان: _____
 تلفن: _____

لطفاً مبلغ ۶۵۰۰ ریال برای اشتراک یک ساله، به حساب جاری شماره ۸۰۴ بانک صادرات، شعبه ۱۰۴۳ خیابان فلسطین، واریز فرمایید واصل فیش را همراه با این برگ به نشانی تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، نبش سزاوار، شماره ۷۴، دفتر نشریه پیوند و یا صندوق پستی ۱۶۳۷-۱۳۱۸۵ ارسال کنید.

تلفن دفتر مجله: ۶۴۰۷۱۱۶ - ۶۴۶۸۷۷۰

*در صورت تغییر نشانی، سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

*لطفاً فتوکپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک یک ساله نزد خود نگاه دارید.